

واقعه رد الشمس چیست؟

<?xml encoding="UTF-8?">

پرسش

آیا حدیث رد الشمس در کتاب‌های شیعه با سند معتبر ذکر شده است؟ آیا این اعجاز منافاتی با بدیهیات عقلی ندارد؟

پاسخ اجمالی

حدیث «ردّ الشمس» از جمله احادیث مشهوری است که در منابع اسلامی و در مورد اشخاص مختلف نقل شده است؛ همان‌طور که برخی مفسران می‌گویند واقعه رد الشمس در مورد حضرت سلیمان (ع) نیز اتفاق افتاده است.

بر طبق روایات، واقعه رد الشمس دو مرتبه برای حضرت علی (ع) اتفاق افتاده است؛ یکی در زمان پیامبر اکرم (ص) و دیگری در برگشت امام علی (ع) از جنگ نهروان.

اصل رد الشمس به جهت شهرتی که در میان روایات دارد، قابل استناد بوده و باید بدان اعتنا کرد و این شهرت، به طریقی اشکالات سندی آن را بر طرف می‌کند، و حتی برخی آن را از متواترات می‌دانند. و غالب شبهات مربوط به واقعه رد الشمس پاسخ داده شده است که در این باره باید به منابع مربوط به آن مراجعه نمود؛ از جمله این‌که این امر توسط خداوند باری تعالی انجام شده است. در دامنه قدرت الهی نیز تمام ممکنات عقلی قابلیت وقوع دارند، همان‌گونه که عصای چوبین بی‌جان حضرت موسی (ع) تبدیل به ماری شده و سحر ساحران مصری را بلعید، دریایی بزرگ بر روی بنی اسرائیل باز شد، کور مادر زاد شفا یافت و ... رد الشمس نیز در حیطه قدرت الهی بوده و می‌تواند واقع شده باشد.

پاسخ تفصیلی

بحث از رد الشمس در بخش‌های زیر تنظیم یافته است.

الف. نگاهی کوتاه به احادیث رد الشمس

حدیث «ردّ الشمس» از جمله احادیث مشهوری است که در منابع اسلامی و در مورد اشخاص مختلف نقل شده است. بر اساس برخی از منابع تفسیری – با واقعه رد الشمس برای حضرت سلیمان (ع) نیز اتفاق افتاده است، و استناد به این آیات شریفه می‌کنند: «إِذْ عَرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْأَعْنَاقِ». [1] گروهی از مفسران ضمیر در «رُدُّوها» را به شمس ارجاع داده و در نتیجه آیه را نشانی از ردّ الشمس برای سلیمان (ع) دانسته‌اند، [2] حتی بعضی از تفاسیر، روایاتی را پیرامون این تفسیر از آیه ذکر کرده‌اند، [3] اما برخی از مفسران با این قول، مخالفت کرده‌اند و ضمیر را به «الصفانات» [4] و یا به «الجیاد» [5] برگردانده‌اند.

علاوه بر این، از اهل سنت نیز روایاتی وجود دارد که رد الشمس را برای پیامبر اسلام (ص) نقل کرده‌اند، [6]

همان‌طور که گفته شده واقعه رد الشمس برای حضرت یوشع (ع) نیز پیش آمده است. [7]

بر طبق روایات، دو مرتبه نیز واقعه رد الشمس برای حضرت علی (ع) اتفاق افتاده است:

1. اولین از آنها در زمان حضرت رسول اکرم (ص) بوده که بنابر قولی در مسجد فضیج که در اطراف مدینه آن زمان بوده، واقع شد و بنابر قولی در داخل مدینه، واقع شده است.

یکی از روایاتی که بیانگر این واقعه است، روایت عمار بن موسی می‌باشد. عمار می‌گوید: من و امام صادق (ع) وارد مسجد فضیج شدیم. امام (ع) فرمود: ای عمار! این قسمت از زمین فرو رفته را می‌بینی؟ عمار گفت: بلی، امام فرمود: اسماء بنت عمیس [8] که با امیرالمؤمنین (ع) ازدواج کرده بود در این مکان نشسته بود ... (ایشان نقل کرد:) من و امیرالمؤمنین در این مسجد نشسته بودیم. ایشان گفتند این قسمت از زمین فرو رفته را می‌بینی؟ بله، امام فرمود: من و رسول الله در این مکان نشسته بودیم. ایشان سر خود را در آغوش من قرار داد و به خواب رفت، [9] وقت نماز عصر رسید. دوست نداشتم سر ایشان را تکان دهم تا موجب اذیت شدن ایشان را فراهم کنم. اوضاع بر همین منوال بود تا این‌که وقت نماز عصر فوت شد. [10] سپس پیامبر (ص) بیدار شد و فرمود: یا علی آیا نماز خواندی؟ گفتم: نه [11] فرمود: چرا؟ گفتم: دوست نداشتم با برداشتن سر شما از آغوش خود، شما را اذیت کنم. ایشان بلند شد و به روی قبله ایستاد و دو دست خود را باز کرد و فرمود خدایا! خورشید را برگردان تا علی نماز خود را بخواند. پس خورشید به مکانی که در وقت نماز عصر بود، برگشت و من نماز عصر خود را خواندم و سپس غروب کرد. [12]

گفتنی است؛ برخی از منابع، روایت بالا را به گونه‌ای دیگر نقل کرده‌اند؛ مانند این‌که گفته‌اند این واقعه در منزل پیامبر اکرم (ص) رخ داده است. [13]

2. دسته دوم از روایات رد الشمس مربوط به زمان زمام‌داری امام علی (ع) و بعد از جنگ نهروان واقع شده است. بنابر تحقیق، تمام روایات موجود در این قسم از شخصی به نام جَویرِیَّة بن مُسَهر نقل شده است. او می‌گوید: به همراه امیرالمؤمنین (ع) از جنگ با خوارج باز می‌گشتیم تا این‌که به زمین بابل رسیدیم. ایشان از اسب پیاده شد، دیگران نیز پیاده شدند. سپس فرمود: این زمین ملعونی است که سه بار در طول زمان بر آن بلا نازل شده است ... این‌جا اولین سرزمینی است که در آن بت پرستیده شد. همانا برای هیچ پیامبری و بر هیچ جانشین پیامبری جایز نیست که در این مکان نماز بخواند. پس هرکس می‌خواهد در این مکان نماز بخواند. پس مردم به اطراف رفته و نماز گذاردند و امام سوار بر اسب شده و رفت ... من به دنبال ایشان رفتم و قسم خوردم نمازم را با ایشان بخوانم، ... آفتاب غروب کرد [14] ... پس امام به سمتی رفت و وضو گرفت و جملاتی را به زبان آورد... به خدا قسم خورشید را دیدم که از بین دو کوه طلوع کرد ... پس نماز عصر را اقامه کرد و من نیز به ایشان اقتدا نمودم. وقتی نماز ما تمام شد دوباره شب شد ... ». [15]

این داستان به گونه‌ای دیگر در منابع نیز آمده که در این‌جا نیازی به ذکر آنها نیست. [16]

نتیجه این‌که: اصل رد الشمس به جهت شهرتی که در میان روایات دارد، قابل استناد بوده و باید بدان اعتنا کرد و این شهرت، به طریقی اشکالات سندی آن را بر طرف می‌کند، و حتی برخی آن را از متواترات می‌دانند. [17]

همچنین علاوه بر کتاب‌های حدیثی، واقعه‌ی رد الشمس در اشعار سده‌های نخستین نیز یافت می‌شود که خود نشانه‌ای است از شهرت این واقعه در میان مردم. [18]

ب. چگونگی واقعه رد الشمس

همان‌گونه که گفته شد، اصل واقعه رد الشمس مورد پذیرش است و غالب شبهات مربوط به آن پاسخ داده شده است که در این باره باید به منابع مربوط به آن مراجعه نمود. [19] در این فرصت، برخی از این پاسخ‌ها بیان می‌شود.

1. باید توجه داشت که این امر توسط خداوند باری تعالی انجام شده است. در دامنه قدرت الهی نیز تمام ممکنات عقلی قابلیت وقوع دارند، همان‌گونه که عصای چوبین بی‌جان حضرت موسی (ع) تبدیل به ماری شده و سحر ساحران مصری را بلعید، دریایی بزرگ بر روی بنی اسرائیل باز شد، کور مادر زاد شفا یافت و ... رد الشمس نیز در حیطه‌ی قدرت الهی بوده و می‌تواند واقع شده باشد.

2. این واقعه را نیز می‌توان به گونه‌های دیگری تفسیر و تبیین کرد. لزوماً لغت رد الشمس به این معنا نیست که خورشید از مسیر خود منحرف شده و به عقب برگشته باشد [20] تا نظم کرات به هم خورده و خورشید سیر خود را از دست بدهد و در مناطقی از کره‌ی زمین، شب روز شود و روز شب و تمام محاسبات نجومی با این واقعه از بین برود.

3. این احتمال وجود دارد که با قدرت الهی حجاب از دیدگان آنها برداشته شده و آنها توانستند خورشید را ببینند، این گونه اعجاز در داستان‌های دیگر نیز مانند داشته به طوری که کسی در مکان‌های بسیار دورتر، توسط یکی از انبیای الهی دیده شده است، و این رفع حجاب تنها برای عده‌ای از خواص رخ می‌دهد، لذا بسیاری از افراد دیگر نیز که حتی در نزدیکی آنها بوده‌اند، به گونه‌ای دیگر این امر را دیده‌اند.

مجلسی اول در این باره می‌گوید: «و اما خواب حضرت سید المرسلین صلی اللّٰه علیه و آله پس احادیث بسیار وارد شده است که خواب و بیداری آن حضرت مساوی بود و در خواب علم آن حضرت به آن چه واقع می‌شد مثل بیداری بود پس ممکن است که حضرت با آن که علم داشته باشند که حضرت امیر المؤمنین صلوات اللّٰه علیه و آله و سلم بر آنها نکرده است برخاسته باشند چون می‌دانستند که دعا می‌توانند کرد یا خواهند کرد و حضرت نماز را در وقت خود خواهند کرد و در چنین صورتی تأخیر ضرر نداشته باشد بلکه مطلوب باشد تا فضیلت آن حضرت ظاهر شود و ممکن است که خواب نباشد و اسماء خیال کرده باشد که حضرت بخواب رفته است بلکه غشیه بوده باشد که آن حضرت را همیشه در مقام قرب الی اللّٰه دست می‌داد و چون آن حضرت را در آن اختیاری نبود و متوجه عالم قدس بودند خبر ازین عالم نداشته باشند اما ظاهراً آن حضرت همیشه در مقام جمع الجمع بودند و توجه به آن جانب مانع از توجه به این جانب نبود اما ظاهراً چنین بوده باشد که با وجود عدم مانعیت متوجه این عالم نمی‌شده‌اند چنانکه در خبر مستفیض وارد شده است که حضرت سید المرسلین صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمودند که مرا با جناب اقدس الهی وقتی هست که در آن حالت گنجایش ندارد نه ملک مقرب و نه نبی مرسل و این مقام اعلی مقام تفرید است و حق این است که مقامات حضرت سید المرسلین را به عقول ضعیفه ادراک نمی‌توان کرد چنانکه هیچ شک نیست که عوام مراتب فضلا را ادراک نمی‌توانند کرد و هم چنین فضلالی علوم ظاهریه ادراک علوم و کمالات فضلالی علوم باطنیه را ادراک نمی‌توانند کرد...» [21]

با توجه به این احتمال؛ برای نماز، دیدن خورشید کافی است و لزومی ندارد که در واقع، نیز خورشید به آن‌جا آمده باشد؛ پس نماز آنها نیز اشکالی ندارد.

4. نور خورشید - با توجه به فاصله زمین با خورشید - با تأخیری حدوداً 7 دقیقه‌ای به زمین می‌رسد؛ یعنی ما همیشه تصویر 7 دقیقه پیش خورشید را در آسمان می‌بینیم و در واقع خورشیدی که می‌بینیم خورشید 7 دقیقه پیش است. براین اساس، اگر در سرعت حرکت نور تغییر ایجاد شود و نور قدری کندتر به ما برسد یا در زاویه

تابش آن تفاوتی ایجاد شود و نور به جای تابش مستقیم به حالت منحنی قابل رؤیت باشد، دیدن نور خورشید در چند دقیقه بعد از غروب هم ممکن می‌شود. و می‌توان احتمال داد که در این کرامت و اعجاز، خورشید جابجا نشده تا در حرکت اجرام آسمانی و ارتباط این اجرام مشکلی به وجود بیاید. بلکه در سرعت و کندی حرکت نور یا زاویه تابش آن در همان لحظه معین تفاوت مختصری ایجاد شده و تصویری که از خورشید در چند دقیقه قبل دیده شده بود، دوباره رؤیت شد. در نتیجه، خورشید دوباره در انتهای افق دیده شد و آن حضرت نماز خود را به جا آورد. [22]

پی نوشت ها :

[1]. ص، 31 - 33: به‌خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند، گفت: من این اسبان را به‌خاطر پروردگارم دوست دارم (و می‌خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم، او هم چنان به آنها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند، بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساق‌ها و گردن‌های آنها کشید (و آنها را نوازش داد).

[2]. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الالذهان الی تفسیر القرآن، ص 460، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1419ق؛ طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 17، ص 203 و 204، انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ پنجم، 1417 ق.

[3]. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 653 و 654، بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، 1416ق. [4]. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق: المرعشلی، محمد عبد الرحمن، ج 5، ص 29، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، 1418ق؛ فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج 26، ص 390 و 391، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، 1420ق؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 19، ص 273، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ اول، 1374ش.

[5]. عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، ص 327، بیت الافکار الدولیه، عمان، ریاض، چاپ اول، بی‌تا؛ مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، ج 11، ص 358، دار محبی الحسین، تهران، چاپ اول، 1419ق. [6]. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، ج 1، ص 312، مطبعة الترقی، دمشق، چاپ اول، 1382ق؛ مفاتیح الغیب، ج 26، ص 390.

[7]. ر.ک: شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 203، جامعه مدرسین قم، 1413ق؛ بیان المعانی ج 1، ص 312.

[8]. تعبیر در اصل روایت این گونه است: «كَانَتْ امْرَأَةً جَعْفَرِ النَّبِيِّ خَلْفَ عَلِيَّهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» که مقصود همان اسماء بنت عمیس است که امام علی (ع) پس از حضرت زهرا (س) با او ازدواج کرد.

[9]. در برخی از منابع آمده که بر پیامبر وحی نازل شد و بدن ایشان از نزول وحی خسته و سنگین شد، لذا سر خود را بر روی پای علی (ع) قرار داد و ...؛ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص 178، دار الکتب الإسلامیة، تهران، بی‌تا.

[10]. برخی از منابع معتقدند که خورشید غروب نکرد، بلکه نزدیک غروب بوده، و تنها به جهت وقت فضیلت خورشید اندکی برگشته است، نه این‌که شب شده و سپس با رد الشمس روز شده باشد. ر. ک: شریف مرتضی،

- علی بن حسین موسوی، رسائل الشریف المرتضی، ج 4، ص 79، دار القرآن الکریم، قم، چاپ اول، 1405ق.
- [11]. سید مرتضی (ره) در پاسخ به اشکالی درباره‌ی ترک نماز امام علی (ع) می گوید: «اگر امام (ع) به صورت ایما و اشاره نماز را بجا آورده باشد، در صورتی است که آن حضرت نشسته باشد؛ چون عذر از ایستاده خواندن نماز داشتند. و این، فضیلتی برای امام علی (ع) است؛ زیرا آن حضرت با این که عذر از ایستادن داشتند، نماز خود را به صورت نشسته خواندند؛ رسائل الشریف المرتضی، ج 4، ص 79.
- [12]. کلینی، الکافی، ج 4، ص 562، دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1365ش.
- [13]. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص 178.
- [14]. برخی از محققین به مانند روایت اول آورده اند این احتمال را داده اند که در اینجا نیز آفتاب غروب نکرده بوده، بلکه از نماز اول وقت کمی گذشته بوده است، و با رد الشمس خورشید کمی برگشته نه اینکه هوای تاریک روز شده باشد. ر.ک: رسائل الشریف المرتضی، ج 4، ص 81.
- [15]. من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 203 و 204.
- [16]. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص 178 و 179.
- [17]. شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج 1، ص 345، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413ق؛ ابن عطیه، جمیل حمود، أبهی المراد فی شرح مؤتمر علماء بغداد، ج 1، ص 791 و 792، مؤسسة الأعلمی، بیروت، چاپ اول، 1423ق؛ مجلسی اول، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: موسوی کرمانی، سید حسین، علی پناه اشتیاردی، طباطبائی، سید فضل الله، ج 2، ص 25 و 26، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، چاپ دوم، 1406ق؛ وحید بهبهانی، آقا محمد علی، مقامع الفضل، ج 1، ص 559 و 560، مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، قم، چاپ اول، 1421ق؛ کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا، کتاب الصلاة، ص 15، مؤسسه کاشف الغطاء، بی تا.
- [18]. ر.ک: ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل أبی طالب (ع)، ج 2، ص 317 و 318، مؤسسه انتشارات علامه، قم، 1379ق.
- [19]. ر.ک: أبهی المراد فی شرح مؤتمر علماء بغداد، ج 1، ص 793 – 803؛ گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، ص 381 – 388، دار إحياء تراث أهل البيت علیهم السلام، تهران، چاپ دوم، 1362ش؛ مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، ج 6، ص 207 – 223، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، چاپ اول، 1422ق.
- [20]. تعبیر رد الشمس یا همان برگشت خورشید معنایی حقیقی نداشته، بلکه تعبیری عرفی است و الا اصل این که خورشید ثابت بوده و زمین به دور آن می چرخد، مورد قبول همگان است.
- [21]. مجلسی اول، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، ج 3، ص 61، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، 1414ق.
- [22]. بر گرفته از سایت راه حوزه.